



برای ایران

ونوس جامی پور
شاعر

ایران من

ایران من، اریکه آیینه از ازل
شایسته تهمتن و تهمنه از ازل
ایران من، سرای فقیران پارسا
ای خانقاه خسته دیرینه از ازل
ایران من، همایش ماه و حلول صبح
مجموعه مسلم گنجینه از ازل
نقشت نگین سرخ ستایش،قبول کن
خورشید اقتداری و زربینه از ازل
شیدایی بهار و بهشت هزاره ها
سامانه سیادت و سزینه از ازل
ایران من، جهان و جنونش فدای تو
ای آیسروی صبر و طمانینه از ازل
از فصل های سرد سیاست گذشته ای
کانون اعتکافی و کابینه از ازل
ایران من، ستاره نورانی ونوس
ای وارث درخشش آیینه از ازل

نامت بلند

سرفصل سرفرازی و سرمایه و نظام
ایران من، تبلور تدبیر و احترام
مقصود آشنایی و فصل الخطاب شوق
ایران من، معزوف معنای احتشام
سجاده مکاشفه در خانقاه مهر
آرامشش مراقبه، عیش بود مدام
ای شاهد شهادت دریای نیلگون
تاریخ پر مخاطره، خورشید با دوام
همسایه مودت و پیمان و دوستی
بر زخم های منطقه درمان و التیام
مثل خلیج فارس پر از تابش و عطش
دل می بری ز دامن امواج، صبح و شام
خورشید از قضا، به خراسان رسیده است
درآستان قدسی اندیشیه امام
از اضطراب آسوی تنهای خود بگاه
منظومه مذهب و میخا و کلام
ایران من، طراوت گل های اطلسی
شیراز شعر، مشهد امید و انسجام
ای مهرهای محکم تو موجب غرور
نامت بلند تاابد الدهر مستدام

شوکت اشراق

ای سرزمین نور و نفس، باز آمدی
ایران من، به‌ایست‌اعجاز‌آمدی
روشن تر از حلول اهورایی‌آمدی
سرزنده و ستبر و سراسراز‌آمدی
خورشید‌خرمی است خراسان، نگاه کن
از مشهد مقدس و ممناز آمدی
تا می‌درخشد از تو شکوه هزاره‌ها
تاریخی از تمدن شیراز‌آمدی
تا افغانان ستاره عشق است در جهان
زاینده رود، مست و خوش آواز آمدی
دانش پژوه و شاعر و مشروطه خواه، ادا!
تبصریز پرتراوت و دل‌باز‌آمدی
تهران، سرای صلح و مسلمانی و سرور
سیمرغ پایتخت به‌ پیروز آمدی
تهران، شکوه شهر مشاهیر، حالیا
شاداب و نوجوان و نظرباز‌آمدی
ماه تمام، روشن و رؤیایی و سپید
از خارک، از شلمچه به‌ اهواز‌آمدی
ایران من، سرای شهیدان نامدار
در تندباد حادثه‌ سرباز‌آمدی
در عرصه دفاع مقدس چه با وقار
ایران من، مدافع و جانباز‌آمدی
فصل الخطاب شوکت اشراق تا ابد
آیین‌ه عبادت و ابراز‌آمدی
موسیقی ات تبلور احساس در فضا
بخشیده جان به گوشه شهناز آمدی
ایران من، همای سعادت به‌ شانه ات
ماه غزل‌ شدی و از آفتاز‌آمدی



ایران زیبا



محتشم مومنی (سامان)

شاعر و نویسنده

هر کجاکردم سفر، این خطه زیبادیده‌ام
نقش زیبایی به کوه و دشت و دریادیده‌ام
در گلستانی که باشد رشک بستان بهشت
گلرختی خوشتر از رضوان و طویادیده‌ام
در کارخان دایده‌ام آثار یزدان اشکار
در رخ باغش شکوه باغ رؤیا دیده‌ام
هر کجافرقتم، نشان هادی‌ام از سرنزدگی
دشت میهن را سرای یار و مینا دیده‌ام
از خلیج فارس تا چمناله مازندران
بس نشان از قدرت دادار یکتا دیده‌ام
اندراین‌خاکی که باشد چون بهشت‌خاکیان
چمنه اسباب سعادت را همپا دیده‌ام
در گلستان‌های ایران‌گشته‌ام همچون صبا
اندر این بستان سرافرخنده گل هادیده‌ام
دژه ذخه خاک ایران توتیای چشم ماست
خاک او را سرهم به چشم پینا دیده‌ام
در جنوبش مردمی خونگرم‌واهل معرفت
در مالش مردمی ساعی و کوشا دیده‌ام
غرب ایران را سرای مردمی عرفان مدار
شرق او را سرزمینی شورو و آوا دیده‌ام
کشور ایران ما باشد سرای شعر و شور
اندر آن فردوسی و سعدی و نیما دیده‌ام
در سرای حافظ و ختایم و مولانا و شمس
هر کجا آثار داناشی هویدا دیده‌ام
در دل سامان نیایی غیر مهر خاک‌خویش
چون وطن را سرزمین «این سینا» دیده‌ام

اراک-آذر۴۰۴۶

از سری حکایت‌های مثنوی معنوی مولانا - ۳

حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزک رنجور



دکتر احمد کتابی

نویسنده و پژوهشگر

« حکایت پادشاه و کنیزک رنجور ...» ، یکی از دلاویزترین و آموزنده ترین حکایات مثنوی در دفتر اول است که نظر به اهمیت خارق العاده اش ، کتاب هواقفاله های زیادی درباره آن نگاشته شده است.

در بخشی از این داستان ، مولانا از روشی برای شناخت بیماری روانی سخن می گوید که باتسامح ، می توان از آن به اصطلاح امروز به روانکاوی (پسیکانالیز) تعبیر کرد. باتوجه به آنچه گفته شد ، جای آن دارد که قبل از شروع به شرح حکایت ، به ارایه توضیحی کوتاه درباره اصطلاح منور پر داخته شود.

تعریف روانکاوی

روانکاوی به نظر به باشیوه ای اطلاق می شود که او اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ، توسط «زیگموند فروید» برای کشف ، تحلیل ودرمان اختلالات روانی اندیشیده شد.

دیری ناپدید که این نظر به در حوزه های روانشناسی و روانپزشکی به نهضتی عظیم مبدل شد و پیروان بسیاری یافت ، ولی در عین حال با مخالف ها و انتقاد هایی هم مواجه شد.

روانکاوی ، همان گونه که «نورمن مان» بیان کرده است : «روشی است که به وسیله آن می توان از انگیزه های ناهشیار آدمی آگاهی یافت.» (اصول روانشناسی ، ترجمه فارسی ، ص ۶۴)

درواقع ، اساس و بنیان روانکاوی بر این اندیشه استوار است که برای درمان اختلالات روانی ، اعم از شدید و خفیف ، پیش از هر کار باید حجاب را از چهره بیماری های روانی برگرفت ووظفه ومشاآنها را که اغلب در ناخوداگاهی و کام های واپس زده بیمار مخفی و در نتیجه از خود او هم پنهان است ، واقع گرایانه شناخت.

برای نیل بدین منظور ، روانکاو باید ضمن رجوع به گذشته بیمار – به ویژه دوران کودکی او – روزهایی چهره ظاهرالصلاح وی را کنار زند و به ریشه های واقعی بیماری اش پی ببرد. (زیان پور ، فرویدسم در ادبیات و عرفان ، ص ۳۹۷)

در این رهگذر ، روانکاو راجاره ای جز این نیست که از معلومات به مجهولات برسد... بنابر آنچه گفته شد ، روانکاو موظف است : «اولا علقه مندی و اعتماد بیمار را نسبت به خود جلب کند.

– ثانیاً وی را به هر طریق و تا آنجا که میسر است ، به افشای خاطرات و تجارب مغفول و مطرود خود برانگیزد. آنگاه به تحلیل و تفسیر آنها بپردازد.

شرح حکایت مثنوی

خلاصه این حکایت بسیار معروف که مولوی آن را «تقد حال» آدمیان دانسته ، به شرح زیر است:

در روز گاران پیشین ، پادشاهی ، ضمن شکار ، باکنیزکی خوبری مواجه می شود. در حال ، دل در گرومهر او می نهد ، حلقه بندگی او را بر گردن می افکند و از فرط دلدادگی ، وی را می خرد.

چندی نمی گذرد که کنیزک رنجور و بیمار می شود. پادشاه که بر اثر نگرانی از احوال نزار کنیزک ، خواب و قرار و تندرستی خود را از دست داده است ، فرما می دهد تا از سراسر مملکت ، پزشکان برای معالجه کنیزک گرد هم آیند:

شده گفت: جان هر دو در دست شماسـت
پزشکان آمادگی و توانایی خویش را برای درمان کنیزک اعلام می درند و از فرط غرور و خودپسندی ، خود را در حذاقت ، مسیح دوران می انگارند. اما از قضا درمان های آنها کارساز نمی شود و بیماری کنیزک رو به وخامت می گذارد. پادشاه که از معالجات پزشکان ناامید شده است ، با احوالی پزششان و برهنه روی ، به جانب مسجدی می نهد و دست حاجت به سوی قادر بی همتادراز می کند:

رفت در مسجد سوی محراب شد

سجده گاه از اشک شه پُرآب شد
پادشاه را در حالت گریه و استغاثه ، خواب درمی ریابد. در عالم رؤیا ، پیری بر او ظاهر می شود و بدو مژده می دهد که فردا حکیمی حاذق به کمک او خواهد شناخت.

روز بعد ، با برآمدن آفتاب ، وعده پیر به حقیقت می پیوندد و حکیمی دانشور و پرمایه ، به سان آفتاب در میان سایه ، بر او ظاهر می شود. پادشاه با چهره ای گشاده به استقبال حکیم موعود می شتابد و پس از تکریم و تجلیل وافر ، وی را به حرم ، به نزد

کنیزک رهنمون می شود. طبیب الهی پس از مشاهده چهره بیمار و گرفتن نبض و دیدن قاروره «و ملاحظه سایر علامت ها و نشانه ها به این نتیجه می رسد که تمامی درمان ها و تجویزهای رزوی پزشکان قبلی ، به سبب غفلت آنها از احوال درونی بیمار ، بکسره اشتباه بوده و موجب وخامت حال وی شده است:

گفت: هر دارو که ایشان کرده اند

این عمارت نیست ، ویران کرده اند^۳
و سرانجام می رسیم به مهم ترین بخش حکایت که در ضمن ، شاهد مثال اصلی ما در زمینه بررسی روانکاوی از دیدگاه مولانا هم هست. چنان که گفته شد ، حکیم الهی بر اثر معاینه کنیزک

از سری حکایت‌های مثنوی معنوی مولانا - ۳

حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزک رنجور

به فراست درمی یابد که وی به بیماری جسمانی مبتلا نیست ، بلکه ابتلای اصلی او دلدادگی است. گام بعدی ، یافتن متعلق این دلدادگی – هویت معشوق – است.

برای نیل بدین منظور ، حکیم یادشده به روشی متوسل می شود که از چهای به شیوه روانکاوی موردنظر و توصیه «فروید» و پیروان او شباهت دارد. قبل از هر کار ، محل اقامت بیمار را آرام و خالی از اغیار می کند تا وی بتواند مکنونات قلبی خود را ازادنه اظهار و افشا کند:

گفت: «ای شه ، خلوتی کُن خانه را

دور کن هم خویش و هم بیگانه را
پادشاه خواسته حکیم را برآورده می کند و او با جلب اعتماد کنیزک ، کم کم شروع به طرح سؤالاتی از وی می کند و ضمن آن ، نبض بیمار را هم در دست می گیرد و تغییرات آن و نیز رنگ چهره او را با توجه به سؤالات مطرح شده ، زیر نظر دارد:

نرم نرمک گفت: «شهر تو کجاست؟

که علاج اهل هر شهری جداست

و اندر کن شهر از قُربایت کیست؟

خویشی و پیوستگی با چیست؟»^۴
دست بر نبضش نهاد و یک به یک

باز می پرسید از جور فلک
و حکیم غیبی همچنان به ارائه پرسش های اکتشافی خود ادامه می دهد:

گفت: «چون بیرون شدی از شهر خویش

در کدامین شهر بودستی توبیش؟»^۵
... نام شهر گفت وزان هم درگذشت

رنگ و روو نبض او دیگر نگشت^۶

... شهر شهر و خانه خانه قصه کرد

نی رگش^۷ جنبید و نه رگش خست زرد

حـنـمـما

طبیب حکیم ضمن برشمرن اسامی شهرها ، نام سمرقند بر زبانش جاری می شود. به محض شنیدن این اسم ، ضریان قلب کنیزک ناگهان شدت می یابد و رنگ چهره اش درگرو می شود:

نبض خست و روی سرخ و زرد شد

با به دست آمدن سر نخ اصلی ، حکیم درصدد یافتن محل دقیق اقامت زرگر برمی آید و با پرس و جو بیشتر به مراد خود می رسد:

گفت: «کوی او کدام است درگذر؟»^۸

او «سر یل»^۹ گفت و «کوی غاقتر»^{۱۰}
چنان که ملاحظه می شود ، مولانا در این پرس و جو ، از سازوکار (مکانیسم) «تداعی معانی» که اساس و بنای شیوه روانکاوی فروید است ، استفاده می کند.

حکیم غیبی که بدین گونه از علت واقعی بیماری کنیزک آگاهی یافته است ، نزد شاه می رود و از دلدادگی کنیزک را نسبت به زرگر سمرقندی به صراحت با وی در میان می نهد و تنها راه درمان کنیزک را احضار زرگر و فراهم آوردن موجبات وصال این دو عنوان می زند:
گفت: ادبی فروغ را به دو بخش تقسیم می کند:

شاه این پیشنهاد را به شمع قبول می شنود و می پذیرد و به فرمان او زرگر را با اهدای تحفه های بسیار و با احترام فراوان از سمرقند به دربار می آورند:

پس حکیمش گفت: گای سلطان مه

... شه بدو بخشیدش من روی را

این تدبیر بسیار موقر واقع می شود تا آنجا که کنیزک طی شش ماه سلامتی خود را بازیابی یابد. مدت شش ماه می راندد تا کم

تا به صحت آمدن دختر تمام

پی نوشت:

۱- (مؤرأ ، بلافاصله ۲- ظرف شیشه ای حاوی بول بیمار

۳- به جای بهبود ، وضع را بدتر کند. ۴- تغییر نکرد. شنیدش جمع معاصر دوم: چون: «از زرگر سمرقندی جاشده بود(درد = جدا دور)» ۵- «او نام های محله و کوی محل اقامت زرگر در سمرقند

* پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴ * یکم رمضان ۱۴۴۷
* ۱۹ فوریه ۲۰۲۶ * سال صدم * شماره ۲۹۱۷۱

ettelaatonline
ettelaat.com

در حوالی سالگرد فروغ فرخ زاد فروغ ناتمام روشنایی



طه حسین فرهانی

نویسنده و پژوهشگر ادبی

«فروغ فرخ زاد» در ۸ دی ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمد. یکی از برجسته ترین شاعران زن معاصر ایران واز تأثیرگذارترین چهره های ادبی قرن چهاردهم شمسی است که اهمیت او تنها در نوآوری های زبانی یا آموزش نوی ، شهرشنیی و رسانه های جدیدگسترش می یافت واز سوی ایرانی را با صدایی مستقل و صریح وارد فضای رسمی ادبیات کند و از این طریق ، جایگاه شعر زنانه رااز حاشیه به متن بیاورد.



فروغ در دهه ای به دنیا آمد که جامعه ایران در حال گذار از سنت به مدرنیته بود. پس از استقرار حکومت پهلوی و آغاز پروژه های نوسازی جامعه بانوعی دوگانگی فرهنگی مواجه شد. از یکسو مظاهر مدرن مانند آموزش نوی ، شهرشنیی و رسانه های جدیدگسترش می یافت واز سوی دیگر ساختارهای سنتی خانواده و روابط اجتماعی همچنان پابرجا بود. این تضاد به ویژه در زندگی زنان نمود بیشتری داشت.

فروغ در خانواده ای نسبتاً سنتی و مضطرب در تهران به دنیا آمد. ازدواج زودهنگام او در نوجوانی و طلاق پس از چند سال ، از نخستین تجربه های تعیین کننده در زندگی اش بود. جدایی از همسر و دوری از فرزندش ، زخمی عمیق در روح او بر جای گذاشت که در بسیاری از اشعارش انعکاس یافته است. این تجربه ی شخصی ، بعدها به یکی از محورهای اصلی شعر او تبدیل شد: تجربه ی فقدان ، طردشدگی ، و تلاش برای بازسازی هویت.

فروغ تشااعار نبود. او به سینماپیروی روی آورد و باساخت مستند«خانه سیاه است» درباره جدامخانه تبریز ، نگاه انسانی و اجتماعی خود را نشان داد. این اثر نه تنها از نظر هنری مهم است ، بلکه بیانگر تحول فکری او از ندغدغه های صرفاً شخصی به مسائل انسانی واجتماعی گسترده تر است. مرگ زودهنگام او در ۲۲ سالگی ، بر اثر تصادف ، به نوعی اسطوره سازی پیرامون شخصیتش انجامید. اما اهمیت فروغ تنها در سرنوشت تراژیکش نیست ؛ بلکه در مسیری است که در این عمر کوتاه طی کرد.

اعتراف، طغیان، عاطفه

نخستین مجموعه های فروغ – اسیر ، دیوار و عصیان – عمدتاً بر محور تجربه شخصی ، عشق ، شکست و حس گناه شکل گرفته اند. زبان این دوره ، بی پرده و اعترافی است. شاعر از «من» سخن می گوید که در حصار سنت ، قضاوت اجتماعی و تجربه ی ناکام عشق گرفتار شده است. او (نماینده ذهنیات زنی صمیمی و اصیل) است. به نظر حقوقی ، شاعر ، دوره اول (۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹) که اسیر ، دیوار و عصیان حاصل آن است و دوره دوم (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵) که «تولد ی دیگر» و «ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد» را سord. به گفته ی وی ، شعرهای او در هر دو دوره ، «بی زنگار» و «نماینده ذهنیات زنی صمیمی و اصیل» است. به نظر حقوقی ، شاعر ، دوره اول «زنی تنها و معترض» و سرشار از «تلاطم احساسات زنانه و مادرانه» است که در برابر سنت های اجتماعی و خانوادگی قیام کرده است. شعرهای فروغ در این دوره در قالب چار پاره است و خط محتوایی آنها عمیق نیست . اما به نظر حقوقی ، دوره دوم ، بیانگر زنی همچنان تنها ولی با تفکر و تخیلی جهانی است که در قالب آزاد شعر می سراید. و شعرهایش خواننده را در عمق به پیش می برد و به تأمل وامی دارد.

تولد ی دیگر: گذار از احساس به آگاهی

تحول اساسی در کارنامه فروغ با انتشار «تولد ی دیگر» رخ داد. این مجموعه ، نه تنها نقطه او ج کار او بلکه یکی از مهم ترین آثار شعر نو فارسی محسوب می شود. در این دفتر ، «من ریخ کشیده» جای خود را به «من جست وجوگر» می دهد. شاعری که از تجربه شخصی عبور می کند و به تأملی عمیق تر درباره هستی ، زمان و مرگ می رسد. در «تولد ی دیگر» ، فروغ به کشف زبان و جهان شخصی خویش دست یافته است. زبانی که دیگر در سایه نیما نیست ، بلکه از تجربه مستقل شاعر برآمده است. در این مرحله ، زبان فروغ از هیجان مستقیم فاصله می گیرد و به سمت تصویرسازی پیچیده تر و ساختار منسجم تر حرکت می کند. شعر دیگر صرفاً بیان احساس نیست ؛ بلکه ساختن جهانی است که در آن ، عناصر طبیعی ، خاطره ، مرگ و امید درهم تنیده اند.

زبان و تصویر: سادگی پیچیده

یکی از ویژگی های برجسته شعر فروغ ، سادگی ظاهری زبان اوست. او از واژه های روزمره استفاده می کند ، اما با چینی هنرمندانه ، لایه های معنایی می سازد. سادگی زبان فروغ ، سادگی سطحی نیست. پشت این زبان به ظاهر ساده ، نوعی آگاهی هنری و تسلط بر تصویرسازی نهفته است. تصاویر فروغ اغلب از عناصر طبیعت ساخته می شوند: شب ، پنجره ، پرند ه ، فصل ، باد. این عناصر کارکردی نمادین دارند. «پنجره» نماد گشودگی و رهایی است ؛ «فصل سرد» نشانه رکود و یأس اجتماعی ؛ «پرند ه» استعاره ای از میل به پرواز و آزادی.

«بدالله رؤیایی» درباره شعر فروغ می گوید: «هرچند یک بار ، قلبش از ملالی گم و مبهم می فرسود و تا این مرحله آرام گیرد ، در آستانه ستوه می نشست و در به روی خودش می بست و خدمتکار پیر و مهربانش که به احوال او اشنا بود ، روزها و گاه هفته ها ، در به روی کس نمی گشود. و او وقتی از آن عزلت مدید ، پریشان و آشفته بیرون می آمد ، نخستین کارش آن بود که عزیزانش را به تلفنی و دیداری بنوازد. ... او بهیچان تشخصی گفت «بیمار باشد» یا «علا پیشاش بود و آمدنش را از سه روز پیش تشخص می داد و خود رامهیای مقابله می کرد». این نگاه ، شعر فروغ را از سطح توصیف به سطح تأمل ارتقا می دهد.

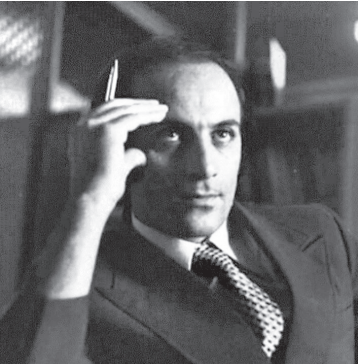
فردیت زنانه و مسأله هویت

یکی از مهم ترین ابعاد شعر فروغ ، طرح مسأله هویت زنانه است. پیش از او ، زن در شعر فارسی اغلب موضوع عشق یا نماد زیبایی بود؛ اما در شعر فروغ ، زن سخن می گوید ، می خواهد ، اعتراض می کند و انتخاب می کند. فروغ از عشق سخن گفت ، اما مهم تر از آن ، از حق زن ، برای تجربه عینیت خود گفت ؛ و این تقاوتی بنیادین بود. با بیان تجربه های شخصی ، درواقع به ساختارهای محدودکننده اجتماعی پاسخ می دهد. شعر او تبدیل به عرصه ای برای بازتعریف جایگاه زن در جامعه مدرن ایران می شود.

و سرانجام ، فروغ در فرخزاد رانمی توان صرفاً شاعری احساساتی یا صرفاً شاعر زن دانست. او در مسیر کوتاه اما پر بار زندگی اش ، از بیان عاطفه فردی به ساختن جهانی شعری رسید که در آن ، فردیت ، اجتماع ، مرگ ، امید و آزادی به هم پیوند می خورند.

سرانجام ، فروغ در ساعت ۱۶:۳۰ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ ، در میان خیابان هایی که نام های شان بعدها شعر معاصر خاطره شان در حافظه شهر ماند ، از جهان رفت. چنان که کوی نقد پیر نیز خواستار به تا مگر او همچون زندگی اش در میانه حرکت و انتخاب بود ؛ دهد. او برای گریز از برخورد با کودکانی که بی احتیاط به خیابان دویده بودند ، فرمان را چرخاند.

حرکتی ناگهانی که به سقوط خودرو در جوی کنار خیابان انجامید و سانی و به خاموشی یکی از روشن ترین صداهای شعر معاصر ایران منجر شد. در این صحنه کوتاه و تکان دهنده ، همان روحیه ای دیده می شود که در شعرش جاری بود: انتخاب دیگری ، حتی به بهای خویش. پیکر فروغ دروزر بعرض در میان اشک ها و سکوت های سنگین ، می بیند با احساسات و عواطف لطیف او فرین: جایی که بسیاری از نام های بزرگ ادبیات و هنر ایران گردآمده اند.



بیژن رفیعی - موسس دنیای ورزش

تمام این سال ها، یک شماره روابط عمومی و یک شماره نمابر در ابتدای مجله نوشته شده بود و این شماره ها هرگز ارتباط مستقیم با مجله را میسر نمی کرد. سرانجام دنیای ورزش توسط موسسه اطلاعات و به بهانه بحران کاغذ تعطیل شد. یک تعطیلی بی که البته کاش دائمی نباشد.



غلامحسین شعبانی - سردبیر دنیای ورزش

جمشیدحمیدی، یک ورزشی نویس دیگر چنین از دنیای ورزش یاد می کند: شیوه نگارش و نوع نگاه نویسندگان فضای تازه برای تشویق و ترغیب قهرمانان رشته مختلف به وجودآورده بود. بیژن رفیعی که خود کاپیتان تیم بسکتبال ایران بود با آن قلم سحرآش بی مانند می نمود. زنده یادها پرویز زاهدی و حسین حصاری در کنار جعفر دهقان، زنده یاد حسین جباری، عطا بهمنش، داریوش شاهرخی و فرامرز رفیعی استاد بازی با واژه ها و خالق ابتکارات بی نظیر در عرصه ی ورزشی نویسی بودند. یونس علیشیری، علی کاوه و قاسمحمدی با عکس هایی که پوستر وسط مجله می شد جوان ها را به سوی قهرمانان ورزشی ایران جلب می کردند. برای خریدن مجله دنیای ورزش در همه نقاط ایران صبح شبه صف می بستند. دهه ۶۰ هیچ نه چندان تر تعداد، به هر دلیلی پراکنده شدند اما مثل جدیدتری همانند وصال روحانی، تورج لارودی، عبدالدین کاظمی و... به سردبیری جعفر صمیمی شمارگان بی نظیری را برای این نشریه ی اختصاصی ورزش رقم زدند... دربارۀ چگونگی تعطیل شدن مجله دنیای ورزش و غلامحسین شعبانی گفت وگویی داریم که در آینده در همین صفحه به چاپ خواهد رسید.

که غلامحسین شعبانی سردبیر و مدیر مسوول دنیای ورزش شد، تفاوت چندانی در کیفیت مطالب مجله ایجاد نشد... واقعیت این بود که دنیا به تدریج در حال تغییر بود و دنیای ورزش نیاز داشت که خودش را به روز کند. امری که با توجه به تخصص غیر ورزشی مسوول جدید، اتفاق نیفتاد. از اواسط دهه ۷۰ بود که روزنامه های ورزشی، یکی پس از دیگری به چاپ رسیدند و با فرهنگ جدیدی که به تدریج در بین خوانندگان ورزشی ایجاد کردند، روزه روز از تعداد علاقه مندان به مطالب تحلیلی و طولانی کاسته شد و خبرهای کوتاه و جنجالی بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. به این ترتیب کمتر کسی حاضر می شد یک هفته منتظر بماند تا هفته نامه مورد علاقه اش را بخرد. کم کم اینترنت، جهان ورزش را قبیضه کرد. با این وجود طی دو دهه، حتی نویسندگان اصلی این مجموعه تغییر نکردند و همچنان با تفکر دهه ۶۰ به کار خود، ادامه دادند. در دهه ۸۰، به دلیل شرایط خاص چاپخانه موسسه، روز انتشار مجله از شنبه به دوشنبه تغییر کرد. مساله ای که یکی از آخرین پل های ارتباط با گذشته تاریخی مجله را از بین برد و بسیاری از خوانندگان مجله را به این باور رساند که دنیای ورزش دیگر چاپ نمی شود! چاپ مجله در دوشنبه ها سبب شد که هر گاه در طول هفته با دو روز تعطیلی مواجه شدیم (مثل ۱۴ و ۱۵ خرداد)، یک هفته بعد از تعطیلات، مجله هرگز به روی کیوسک نمی آمد. زیرا چاپ نمی شد! حتی لوگوی قدیمی و خاطره انگیز مجله نیز تغییر کرد و نه تنها بهتر نشد، بلکه از مجله ای تقلید کرد که تنها یکی دو سال از تاسیس آن می گذشت. در



بیژن رفیعی، قبل از مرگ در کنار نوه هایش



کادر تحریر به دنیای ورزش به ترتیب از راست: قاسم محمدی (عکاس) - زنده یاد حسین جباری (نویسنده مشت زنی) - بیژن رفیعی (سردبیر) - فریدون نیکوکار - جعفر دهقان (نویسنده فوتبال) - پرویز زاهدی (نویسنده فوتبال) - حسین حسینی - زنده یاد حسین حصار (نویسنده کشتی) - فرامرز تهرانی رفیع فرد نشسته: صفر خواجوی راد (بخش طنز و سرگرمی)

از خوانندگان مجله شد؛ خواندگانی که در آن روزها می توانستند نظر خود را از طریق نامه به گوش سردبیر و سایر خوانندگان برسانند. شده بود، تغییر سردبیر بود. در سال های جنگ تحمیلی، با کاهش برنامه های ورزشی صداوسیما، بر خوانندگان مجله افزوده شده بود و چیزی نگذشت که تیراز این هفته نامه ۲۰۰ هزار گذشت و لحظه به لحظه به ۳۰۰ هزار نزدیک و نزدیک تر شد. در آن روزها عمده مسابقات فوتبال در روز جمعه برگزار می شد و با توجه به امکانات آن روزها، همواره صفحات وسط مجله به مطالبی اختصاص داشت که در طول هفته اتفاق افتاده بود. اما نخستین صفحات مربوط به مسابقه روز جمعه بود و آخرین مطالبی که به چاپخانه رفته بود. در آن روزها هنوز هم دنیای ورزش چنان اقتداری داشت که پس از قهرمانی تیم ملی فوتبال در بازی های آسیایی یکن (۱۹۹۰ م. / ۱۳۶۹ ش). علی پروین و تمامی شاگردانش در یک روز معین به موسسه اطلاعات بایند تا به پاس قهرمانی در آسیا، افتخار مصاحبه با مجله را به دست آورند. هنوز زمان نسبتا زیادی مانده بود که عصر اینترنت فرا برسد. در ایامی که بازی های آسیایی هیروشیما در سال ۱۳۷۳ برگزار می شد، قطع صفحات مجله تغییر کرد؛ ابتکاری که موجب اعتراض بسیاری

پشت سر گذشت. بهترین مجله دهه ۶۰ در دهه ۶۰ تنها تغییری که در مجله ایجاد شده بود، تغییر سردبیر بود. در سال های جنگ تحمیلی، با کاهش برنامه های ورزشی صداوسیما، بر خوانندگان مجله افزوده شده بود و چیزی نگذشت که تیراز این هفته نامه ۲۰۰ هزار گذشت و لحظه به لحظه به ۳۰۰ هزار نزدیک و نزدیک تر شد. در آن روزها عمده مسابقات فوتبال در روز جمعه برگزار می شد و با توجه به امکانات آن روزها، همواره صفحات وسط مجله به مطالبی اختصاص داشت که در طول هفته اتفاق افتاده بود. اما نخستین صفحات مربوط به مسابقه روز جمعه بود و آخرین مطالبی که به چاپخانه رفته بود. در آن روزها هنوز هم دنیای ورزش چنان اقتداری داشت که پس از قهرمانی تیم ملی فوتبال در بازی های آسیایی یکن (۱۹۹۰ م. / ۱۳۶۹ ش). علی پروین و تمامی شاگردانش در یک روز معین به موسسه اطلاعات بایند تا به پاس قهرمانی در آسیا، افتخار مصاحبه با مجله را به دست آورند. هنوز زمان نسبتا زیادی مانده بود که عصر اینترنت فرا برسد. در ایامی که بازی های آسیایی هیروشیما در سال ۱۳۷۳ برگزار می شد، قطع صفحات مجله تغییر کرد؛ ابتکاری که موجب اعتراض بسیاری

در جام تخت جمشید و مسوولان فدراسیون و نویسندگان خبره انجام می شد- کاری کم سابقه بود که به سبک مجلاتی چون «فرانس فوتبال» انجام شد. در پایان هر سال نیز به مرد سال فوتبال، یک دستگاه اتومبیل پیکان توسط موسس روزنامه اطلاعات (عباس مسعودی) اهدا می شد. با این ابتکارات بود که دنیای ورزش به اوج رسید و دهه ۵۰ را به شکلی خاطره انگیز



جلد شماره ۲ و ۱ مجله دنیای ورزش

عمله جات و ماشین اطفايه در سفارت هلند و بیمارستان امنیه

اطلاعات خصوصی

وقوع حریق

یکساعت ونیم قبل از ظهر دیروز ازمریضخانه امنیه باداره اطفايه اطلاع میدهند که درمریضخانه امنیه حریق رخ داده است فوراً از طرف اداره اطفايه دستور دستگاه ماشین بانقار رئیس اداره اطفايه وقوع حریق حضور یافته فاصله یکساعت و نیم اطفاء حریق مینماید.

علت حریق مزبور از بخاری بوده است و خسارات زیادی وارد شده است

و نیز در ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر روز گذشته حریق مختصری در سفارت هاند رخ میدهد که فوراً باداره اطفايه اطلاع میدهند اداره اطفايه بلافاصله ماشین اطفاء با عیاجات اطفايه حرکت می دهد حریق مزبور از آتش بخاری بوده که بسبب سرایت نموده و در ظرف یکساعت حریق مزبور خاموش گردیده و خساراتی وارد نیامده است زیرا سرایت نکرده است.

در روز ۲۵ بهمن ۱۳۱۲ جریده اطلاعات در ستون وقایع شهری از حضور مأموران اطفايه بلدی در سفارت هلند و مر یضخانه امنیه تهران برای اطفای حریق خبر داد. در این خبر آمده است: در ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر روز گذشته حریق مختصری در سفارت هلند رخ داد که در سفارت هلند رخ داد که فوراً به اداره اطفايه اطلاع می دهند. اداره اطفايه بلا فاصله ماشین اطفاء با عمله جات اطفايه حرکت می دهد. حریق مزبور از آتش بخاری بوده است که به سقف سرایت نموده و در ظرف یک ساعت حریق مزبور خاموش گردیده و خساراتی وارد نیامده است زیرا سرایت نکرده است. همچنین نوشته شده که یک ساعت و نیم قبل از ظهر دیروز از مر یضخانه امنیه به اداره اطفايه اطلاع می دهند که در مر یضخانه امنیه حریقی رخ داده است. فوراً از طرف اطفايه ۴ دستگاه ماشین به اتفاق رئیس اطفايه به محل وقوع حریق حضور یافته و فاصله یک ساعت و نیم اطفاء حریق می نمایند. علت این آتش سوزی هم از بخاری بوده است و خسارات زیادی وارد نشده است.

منوع شدن استفاده از عنوان دکتر برای قابله ها توسط بلديه

اخطار

بلديه طهران:

از طرف سرویس صحه و خبریه و معاونت عمومی در تعقیب اعلاناتی سابق مجدداً اخطار میشود که بر طبق مقررات قانونی استعمال کلمه دکتر در روی تابلو و سر نسخه و امضاء مخصوص آقایان اطباء و خانم طیبیه هائی است که در دپلومرسی و یا اجازه نامه دولتی آنها کلمه دکتر قید نموده اند و سایر آقایان اطباء مجاز و قابله ها بهیچوجه حق استعمال کلمه دکتر را در تابلو و سر نسخه و امضاء خود ندارند در صورت تخلف توسط مقامات صالحه تعقیب خواهد شد برای اجرای این امر آقایان اطباء و مفتیین صحرای بلدی مأمورند تقبیهات لازمه را عمل آورده و مراتب مساعوره در تابلو و سر نسخه جاری باندراجات دیوار و اجازه نامه تطبیق و راپورت تخلفین را تنظیم نمایند .

نمره اعلان ۲۵۱۱ نمره ۷۲۱۰۱۲

چای سرت امت تذکر و یادآوری راچشموضوح فوق مورد توجه خاص مقامریاست محترم بلدیة، قرار گرفته و دستورات لازم برای جلوگیری از تخلفات بعضی از اطباء و قابله ها صادر فرموده اند .

در راپورتی در ۲۹ بهمن ۱۳۰۹ اعلام شده که استفاده از عنوان «دکتر» برای قابله ها در تابلوی مطب یا در سر نسخه آنان ممنوع است. در اعلامی که در چنین روزی از طرف سرویس صحب و معاونت عمومی بلدیة طهران در جریده اطلاعات منتشر شده آمده است: بر طبق مقررات قانونی استعمال کلمه دکتر در روی تابلو و سر نسخه و امضا مخصوص آقایان اطباء و خانم طیبیه هائی است که در دپلیم با اجازه نامه دولتی آنها کلمه دکتر قید شده باشد و سایر آقایان اطبا [ی] مجاز و قابله ها به هیچ وجه حق استعمال کلمه دکتر را در تابلو و سر نسخه و الحاق به امضای خود ندارند و در صورت تخلف توسط مقامات صالحه تعقیب خواهند شد.

نخستین گزارش از نصب دستگاه های تاکسیمتر به روی تاکسی های تهران

شرکت تعاونی تاکسیرانی شهر تهران در ۲۶ بهمن ۱۳۴۵ اعلام کرد تاکنون از جمع ۵۷۹۶ تاکسی نارنجی تهران ۵۱۳۵ دستگاه به تاکسیمتر مجهز شده اند و بقیه تاکسی ها تا ۱۶ اسفند امسال که استفاده از تاکسیمتر آغاز می شود، مجهز به تاکسیمتر می شوند. در غیر این صورت پلیس ار کارکردن تاکسی های بدون تاکسیمتر جلوگیری خواهد کرد. مدیر عامل شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران اعلام کرد: با اجرای

با بکار افتادن تاکسیمتر : گرانتریا ؟ تاکسی ادراتر میشود ؟

باقیه از صفحه اول

مرور نرخ تاکسی ۲۰ ریال تمام میشود .

خریدن تاکم را میافزاید : با احتساب تاکسیمتر بین میدان شهنشاز میدان آنان با تاکسیمتر اغلب ۱۲ تا ۱۵ اسفند ۲۵ تا ۲۸ ریال میشود .

در مواقع توقف تاکسی پشت چراغ قرمز در مقابل هر ۲ دقیقه توقف یک ریال گرایه تاکسی بیشتر میشود یعنی تاکسیمتر در هر دو دقیقه توقف تاکسی یک ریال به حساب می آید .

مسافر میاندازد ، گاهی اتفاق میافتد که مسافر مجبور میشود در یک تاکم خرید و توقف طولانی تا ۱۰ ریال اضافه بپردازد و در واقع جریمه مشکل ترافیک شهر را تحمل کند !

شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران تاکسی را اعلام کرده با اجرای آن در ۲۶ تاکنون از جمع طرح تاکسیمتر نرخ تاکسی سواران ۵۱۳۵ دستگاه مجهز به تاکسیمتر شده و بقیه تاکسی ها تا ۱۶ اسفند امسال که استفاده از تاکسیمتر آغاز می شود، مجهز به تاکسیمتر می شوند. در غیر این صورت پلیس ار کارکردن تاکسی های بدون تاکسیمتر جلوگیری خواهد کرد. مدیر عامل شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران اعلام کرد: با اجرای

اطلاعه رییس بلديه درباره قطع برق معابر و چراغ زنبوری

در ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ جریده اطلاعات نوشت: نظر به این که در اثر پاک کردن دیک های کارخانه چراغ برق حاج امین الضرب برای لیلی ماه رمضان، بلدیة که صاحب باید چراغ ها روشن باشد، چند خط از چراغ های الکتریک خاموش گردیده و این مسئله ایجاد زحمت تاریکی برای عابرین می شود، بلدیة طهران برای رفاهیت عمومی ناموقعی که کارخانه چراغ برق عملیات خود را خاتمه دهد، بوسیله چراغ های زنبوری که به فواصل نزدیک درمعبار مذکوره نصب می گردد، تنویر معابر را روشن خواهد کرد.

اعلان بلديه راجع به چراغ زنبوری

نظر باینکه در اثر پاک کردن دیگهای کارخانه چراغ برق حاج امین الضرب برای لیلی ماه رمضان که تاصبح باید چراغها روشن باشد چند خط از چراغ های الکتریک خاموش گردیده و این مسئله ایجاد زحمت تاریکی جهت عابرین میشود، بلدیة طهران برای رفاهیت عمومی ناموقعی که کارخانه چراغ برق عملیات خود را خاتمه دهد بوسیله چراغ های زنبوری که بفاصله های نزدیک در معابر نصب می گردد، تنویر معابر را روشن خواهد کرد.

۸ مجنون جدید و ۴ مجنون معالجه شده در دارالمجانین بلديه

در چنین روزی اداره صحب بلدی راپورتی در ۲۶ بهمن ۱۳۰۵ جریده اطلاعات منتشر کرد. در این راپورت آمده است. در ماه گذشته دارالمجانین بلدی ۸ مجنون جدید را پذیرفته و ۴ مجنون معالجه شده را مرخص کرده است و عیالنا کلیه ۱۴ نفر مجنون که اغلب آنها غیر قابل علاج اند نگهداری می شوند.

همچنین در پرورشگاه کودکان و آسیاشگاه ناتوانان تا آخر دی ماه گذشته ۱۲۰۹ نفر ایام و عجزه نگهاردی شده اند و اغلب اطفال در مدرسه پهلوی مشغول تحصیل و آموختن صنایع یدی از قبیل قالیبافی - خیاطی - ازسی دوزی - جوارب بافی - توربافی و غیره می باشند. در خبری دیگر نیز ذکر شده است تاکنون ۲۰ نفر طفل در مدرسه شاهپور پذیرفته شده اند که به کلیه آنها لمپوس داده شده و هر کدام از آنها دارای یک تخت خواب علیحده می باشند.

روشنائی

مقام محترم انجمن بلدی و ریاست محترم روشنائی

کوچه گلوندک گذر مستوفی الممالک دارای پنج یا شش عدد لامپ از طرف دائره روشنائی نصب است چندی است بواسطه خرابی و ساکنین این محل که زیاده از حدواندازه هستند در زحمت درد صورتیکه وصل کردن سیم بول خیابان جیخانه بیه کوچه مرحوم شیخ چندان تحمیل و خسارتی منوجه بلدی نمیسازد منعی است بروشنائی این محل توجه وعابرین و ساکنین این کوچه را از خود ممنون سازد از طرف ساکنین گلوندک - خیال تاش

پاره شدن سیم برق بلديه و خاموشی مطلق گلوبندک و گذر مستوفی الممالک

روشنائی

مقام محترم انجمن بلدی و ریاست محترم روشنائی

کوچه گلوندک گذر مستوفی الممالک دارای پنج یا شش عدد لامپ از طرف دائره روشنائی نصب است چندی است بواسطه خرابی و ساکنین این محل که زیاده از حدواندازه هستند در زحمت درد صورتیکه وصل کردن سیم بول خیابان جیخانه بیه کوچه مرحوم شیخ چندان تحمیل و خسارتی منوجه بلدی نمیسازد منعی است بروشنائی این محل توجه وعابرین و ساکنین این کوچه را از خود ممنون سازد از طرف ساکنین گلوندک - خیال تاش

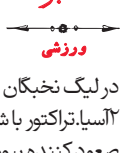
در راپورتی که در ۲۹ بهمن ۱۳۰۹ در جریده اطلاعات منتشر شده آمده است: از طرف اهالی محله کوچه گلوبندک - گذر مستوفی الممالک - در درخواستی به انجمن بلدیة طهران اعلام شد این گذر دارای پنج شش عدد لامپ است که از طرف دائره روشنائی بلدیة نصب شده است و چندی است بواسطه خرابی خیابان جلیل آباد (خیام امروزی) شاه سیم پاره شده و عابرین و ساکنین این محل که زیاده از حد واندازه هستند در زحمت اند، در صورتی که وصل کردن سیم به اول خیابان جیخانه (۱۵ خرداد امروزی) بیه کوچه مرحوم شیخ، چندان تحمیل و خسارتی منوجه بلدیة نمی سازد. متمنی است به روشنائی این محل توجه و عابرین و ساکنین این کوچه را از خود ممنون سازد. از طرف ساکنین گلوندک - خیال تاش

مدیران پاسخگو باشند

اکبر عزیزی

تحلیلیگر ورزشی

متاسفانه حال روز فوتبال خرابتر از همیشه است. در چند روز گذشته شاهد اتفاقاتی بودیم که حال فوتبال را بدتر کرد. اسکوپچ، مربی تیم تراکتور در میانه راه این تیم را ترک می کند. اسکوپ در پرسپولیس به مرزی می رسد که از سپاهینو و استقلال این خبر به گوش می رسد. کار به کشورشان بازگشته اند و حاضر نیستند بازگردند. چه اتفاقی افتاده است که این میزان ریزش را شاهدیم؟ چرا یک بار به صورت شفاف دلایل جدایی بازگونی شود؟ چرا دلایل جدایی اسکوپچ کاملاً بررسی نشده است تا مشخص شود که این مربی چرا و به چه دلیل ناگهان چنین تصمیمی اتخاذ می کند؟ از باشگاه پیروی خبر آمد که جدایی اسکوپچ فنی نبوده است. اگر چنین است چرا آنچه هست بازگو نمی شود؟ آیا به جایگاه اسکوپچ احترام گذاشته شد؟ زمانی که یک بازیکن در رختکن بدون توجه به حضور مربی با سایر بازیکنان برخورد تند انجام می دهد و مدیران از بازیکن حمایت می کنند طبیعی است که تصمیمات آنی مانند آنچه اسکوپچ انجام داد نقش خواهد داشت؟ زمانی که در استقلال، انسجام تیمی فراموش می شود از سپاهینو چه انتظاری می رود که اکنون بلا تکلیف در مجاورت در خروجی ایستاده است؟ آیا مدیران باشگاه ها فرصت کرده اند تا دلایل کم کاری بومی نظمی در آهنگ بازی را جستجو کنند؟ تا کی باید دنبال پاک کردن صورت مساله باشیم؟



خبر

ورزشی

رقابت های گروهی دولیک فوتبال معتبر آسیایی (نخبگان وسط ۲) به پایان رسید تا تکلیف تیم های صعود کننده به مرحله حذفی مشخص شود. در این دولیک آسیایی، فوتبال ایران ۳ نماینده داشت. تراکتور در لیگ نخبگان و استقلال و سپاهان در لیگ سطح آسیا تراکتور با شکست الغرافه به جمع تیم های صعود کننده پیوست اما تیم پر هزینه استقلال با دو شکست (رفت و برگشت) مقابل الحسین اردن از گردونه رقابت ها خارج شد.

در پایان مرحله گروهی لیگ نخبگان آسیا، الهلال عربستان به عنوان تیم اول به مرحله حذفی صعود کرد و تراکتور ایران سوم شد.

مرحله گروهی لیگ نخبگان آسیا در منطقه غرب با برگزاری دو دیدار به پایان رسید. تراکتور ایران با ۲ گل الغرافه قطر را مغلوب کرد و با تفاضل گل کمتر نسبت به الاهلی عربستان به عنوان تیم سوم، در مرحله حذفی حریف الشباب الاهلی شد. الغرافه هم که به تراکتور باخت، از گردونه رقابت ها کنار رفت.

جدول منطقه غرب، در پایان مرحله گروهی

۱- الهلال عربستان: ۱۲ امتیاز
۲- الاهلی عربستان: ۱۷ امتیاز
۳- تراکتور ایران: ۱۷ امتیاز
۴- الاتحاد عربستان: ۱۵ امتیاز
۵- الوحدۀ امارات: ۱۴ امتیاز
۶- شباب الاهلی امارات: ۱۱ امتیاز
۷- الدحیل قطر: ۸ امتیاز
۸- السد قطر: ۸ امتیاز
۹- شارجه امارات: ۸ امتیاز



پایان مرحله گروهی فوتبال لیگ های آسیایی

فوتبال ایران با ۲ چهره متفاوت



۱- الغرافه قطر: ۱۶ امتیاز
۲- الشرحه عراق: ۱۵ امتیاز
۳- نسف قارشی ازبکستان: ۱۴ امتیاز
تیم های شارجه امارات، الغرافه قطر، الشرطه عراق و نسف قارشی ازبکستان از گردونه رقابت ها کنار رفتند.

برنامه مسابقات دور حذفی:

الهلال عربستان - السد قطر
الهلی عربستان - الدحیل قطر
تراکتور ایران - شباب الاهلی امارات
الاتحاد عربستان - الوحدۀ امارات
بازگشت تراکتور با قرعه دشوارتر
تراکتور با نمایشی برتر و حسابشده مقابل الغرافه معادلات صعودش در لیگ نخبگان آسیا را تغییر داد؛ تصمیمی که شاید مسیر ساده تری را از این تیم گرفت، اما روح ازای بیم ته تزیق کرد. حالا این

گذشت، اما چنین نشد. نه فقط به پیروزی نرسیدند، بلکه شکست ناوارانه دریافت کرد تا خاکستر از روی آتش کنار بود. ضعف در دفاع و نامتعدالی در درون دروازه عاملی شد تا زور استقلال به تیم الحسین اردن نرسد. استقلال را تاکنون این گونه بی برنامه ندیده بودیم. البته از اختلافات قبل از بازی بین مجموعه مدیریتی با کادر فنی نباید غافل شد. گرچه شب قبل از مسابقه گفته شده بود که کدورت ها بر طرف شده است لیکن چاره ساز نشد، چون زمان از دست رفته بود. با این حال استقلال از زاویه فنی کم حریف روی آن برنامه ریزی کرده بود. هر سه گل در اختیار تیم های اماراتی کاملاً آسیب پذیر نشان داد و دقیقاً از همان مسیری ضربه خورد که حریف های این مرحله خواهند بود؛ جدالی میان مدعیان اصلی قهرمانی در ایران و امارات.

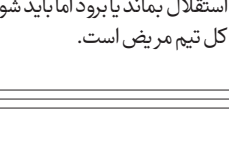
اکنون تراکتور نه فقط برای صعود به مراحل بالاتر لیگ نخبگان، بلکه برای اثبات انتخاب جوسوانه اش باید مقابل الشباب الاهلی حاضر شود؛ انتخابی که نشان می دهد گاهی بردن، حتی اگر مسیر را سخت تر کند، ارزشمندتر از حسابگری های مدعیان است. این صعود توانست شادی را به فوتبال ایران باز گرداند.

ناراحتی فوتبال ایران

از سوی دیگر، آبی پوشان در حالی به اردن سفر کرده بودند که در تفکر آنها جریان بازی باخت می

منصور رشیدی، پیشکسوت فوتبال:

استقلال نیاز به شوک دارد نه تغییر سایپینو



پیشکسوت استقلال گفت: من موافق تغییر سایپینو نیستم اما معتقدم باید شوکی به تیم وارد شود تا از شرایط کنونی خارج شود.

منصور رشیدی، درباره شکست استقلال برابر الحسین امارات، اظهار کرد: استقلال بازی خوبی برابر الحسین نداشت. این تیم ناقص است و ایرادات زیادی دارد، نه تنها از نظر بازیکن بلکه از لحاظ تاکتیکی هم مشکل دارد. استقلال در آسیا کارش تمام شد و باید دید در لیگ برتر چگونه عمل خواهد کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می کنید سایپینو باید در استقلال بماند یا خیر؟ گفت: این تیم ناقص است و هرکسی باید همین است و بهتر از این نمی تواند کار کند. خط دفاع تیم هنوز ناقص است هرچند فابک هایش بد نیستند. نمی گویم سایپینو در استقلال بماند یا برود اما باید شوکی به تیم وارد شود. وی ادامه داد: تیم خوب بازی نکرد. کل تیم مریض است.

عضو کمیسیون عمران مجلس ادامه داد: یکی دیگر از ظرفیت ها، امکان تعویض پلاک خودروهای مناطق آزاد به پلاک ملی است که می تواند حدود ۵ هزار خودرو را وارد بازار کند و به کاهش قیمت هادر کوتاه مدت منجر شود.

مجلس همچنین مصوب کرد که به هر میزان ارز برای واردات قطعات خودرو اختصاص می یابد، معادل ۵۰ درصد آن برای واردات خودرو کامل تخصیص داده شود. به عنوان مثال اگر ۱ میلیارد دلار برای قطعات تخصیص می یابد، یک میلیارد دلار نیز به واردات خودرو کامل اختصاص یابد.

سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس گفت: خودروسازان هنگام افزایش نرخ ارز، قیمت خودرو را بالا می برند اما هنگام کاهش نرخ ارز حاضر به کاهش قیمت نیستند؛ در عین حال با واردات هم مخالفت می شود.

این رویکرد دوگانه پذیرفتنی نیست. انتظار مجلس این است که در فرآیند تصویب نهایی، این مصوبات مورد توجه قرار گیرد و دولت در سال آینده با اجرای کامل آن ها زمینه ایجاد رقابت، ارتقای کیفیت و کاهش قیمت خودرو را فراهم کند.

مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴، ۲۱۸۵، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۰۷، ۲۲۰۸، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۲۱۳، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵، ۲۲۲۶، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۲۲۹، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۴۰، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۴۹، ۲۲۵۰، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۵، ۲۲۵۶، ۲۲۵۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۲۶۲، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴، ۲۲۶۵، ۲۲۶۶، ۲۲۶۷، ۲۲۶۸، ۲۲

